



سال پنجم، شماره ۳، پیاپی ۱۶ پاییز ۱۴۰۱

www.qpjournal.ir

ISSN : 2783-4166

وجه امری در غزلیات حافظ

محمدحسن ارجمندی فر^۱، دکتر خدابخش اسداللهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

(از ص ۲۶ تا ص ۴۷)

نوع مقاله: پژوهشی



[20.1001.1.27834166.1401.5.3.2.6](https://doi.org/10.27834/27834166.1401.5.3.2.6)

چکیده

زمانی می‌توان همچون حافظ شیرازی در سرزمین ادبیات خیز ایران بر قلهٔ ادبیات منظوم فارسی ایستاد که به قول خودش «مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی». از این روی حافظ همانطور که از نظر جنبه‌های بلاغی از سرآمدان ادبیات منظوم فارسی است، از نظر جنبه‌های دستوری نیز باید واجد شرایط استادی باشد، از این روی بررسی جنبه‌های دستوری در دیوان او می‌تواند مرجع اطمینان‌بخشی برای پیش‌آگاهی در حوزهٔ دستور زبان فارسی باشد. این مقاله با بررسی وجه امری در غزلیات حافظ شیرازی می‌کوشد به واکاوی دیدگاه او به این وجه دستوری بپردازد و با چراغ روشنگر او نقطه‌های تاریک دستور زبان فارسی را روشن سازد. بررسی وجه امری در غزلیات حافظ، با جستجوی افعال امر و نهی از پنج منظر دستوری در غزلیات او آغاز شد و ۱۸۳۵ فعل امر و نهی در ۴۹۵ غزل او یافت و مشخص شد چهارپنجم آنها فعل امر و بقیه فعل نهی هستند، همچنین دوسوم این افعال، فعل ساده و بقیه غیرساده بودند. در بررسی ساختار این افعال مشخص شد بیشترین سهم به افعال امر «بدون پیشوند فعلی» و بعد از آن به افعال امر و نهی با «پیشوند فعلی به و م» تعلق دارد. از منظر اغراض وجه امری، افعال امر بر اساس سیزده غرض و افعال نهی بر اساس هفت غرض (مندرج در کتاب بیان و معانی دکتر سیروس شمیس) بررسی شد که بیشترین فراوانی اغراض فعل امر به غرض‌های «اذن و اجازه» و «ارشاد و ترغیب و تشویق» و بیشترین فراوانی اغراض نهی به غرض‌های «تهدید و تحذیر» و «ارشاد» تعلق گرفت بنابراین حافظ در وجه امری بیشتر یک **مرشد** است. از منظر پنجم، وجه امری در غزلیات حافظ بر اساس نوع مخاطب، بررسی و مشخص شد، ۹۰ درصد مخاطبان وجه امری در شعر حافظ، «دوم شخص مفرد(تو)» هستند اما نکتهٔ مثبت و فزایندهٔ این پژوهش دریافت این نکته است که استادان دستور، مخاطبان وجه امری را به سه مخاطب «دوم شخص مفرد(تو)»، «دوم شخص جمع(شمایان)» و «اول شخص

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول) // arj1353@gmail.com

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران. // kh.asadollahi@gmail.com



جمع(ما)» محدود می‌دانند در حالی که بر اساس شیوه‌ دستوری حافظ دریافت می‌شود، تمام ضمائر اول شخص، دوم شخص و سوم شخص اعم از مفرد و جمع می‌توانند مخاطب وجه امری قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: دیوان حافظ، حافظ شیرازی، دستور زبان فارسی، وجه امری، فعل امر، فعل نهی.





مقدمه

ادبیات فارسی در حوزه شعر، سهمی از افعالش را به افعال امر و نهی یا به عبارتی به «وجه امری» اختصاص داده است. افعالی که در گروه افعال انشایی می‌گنجد و رنگ توصیه و پیشنهاد یا منع و بازداشت به خود می‌گیرد. «وجه امری یکی از وجوه صرف فعل است که به وسیله آن فرمانی، یا خواهشی یا آرزویی، یا منعی از اجرا یا از وقوع فعلی بیان می‌شود.» (ناتل خانلری، ۱۳۸۲: ۲۹۶)

پرویز ناتل خانلری در کتاب دستور زبان فارسی، وجه امری را به سه صیغه محدود دانسته و آورده است: «وجه امری از همان ماده مضارع ساخته می‌شود و به خلاف زمان‌های وجوه دیگر سه صیغه بیشتر ندارد [مثل] بنویس، بنویسیم، بنویسید.» (ناتل خانلری، ۱۳۸۰: ۱۲۳). همچنین وجه امری به دو گروه اصلی فعل‌های امر و فعل‌های نهی تقسیم می‌شود. در این پژوهش، وجه امری در غزلیات حافظ شیرازی از پنج منظر نوع وجه امری، نوع فعل، نوع ساختمان فعل، اغراض وجه امری و نوع مخاطب جستجو و بر اساس تعاریف زیر بررسی شده است:

الف) نوع وجه امری: وجه امری دو گروه فعل را در خود جای داده است: فعل امر و فعل نهی. در واقع فعل نهی همان فعل امر است که با حرف **نـ** یا **مـ** معنی بازدارندگی یافته است. به عبارت دیگر «امر منفی را «نهی» گویند.» (اشرف الکتابی، ۱۳۶۶: ۱۶۳)

ب) نوع فعل: در این پژوهش، نوع فعل وجه‌امری به دو دسته افعال ساده و افعال غیرساده تقسیم‌بندی شده است. افعال غیر ساده بر اساس تقسیم‌بندی ناتل خانلری در جلد دوم تاریخ دستور فارسی عبارتند از: «پیشوندی، مرکب، عبارت فعلی و فعل‌های ناگذر» (ناتل خانلری، ۱۳۸۰: ۱۱۵)

ج) نوع ساختمان: مشخصه ساختمانی فعل امر را در چهار حالت می‌توان برشمرد که عبارتند از بن مضارع به تنهایی، با پیشوند **بـ** یا **مـ** (در نهی)، با پیشوند می و همی، و با پیشوند **بـ** بعلاوه می یا همی.

د) اغراض وجه امری: پس از بررسی ساختار و صورت وجه امری، نوبت به بررسی مفهوم وجه امری یا غرض نویسنده و شاعر از به کار بردن فعل امر یا نهی می‌رسد. کاربرد وجه امری در ابیات و جملات، بار معنایی و مفهومی خاصی دارند و نگارنده به غرض و مقصودی خاص از وجه‌امری بهره می‌برد.



سیروس شمیسا در کتاب *بیان و معانی*، ۱۳ غرض برای افعال امر و ۷ غرض برای افعال نهی برشمرده است که بر این اساس، وجه امری در غزلیات حافظ بر اساس این اغراض ۲۰ گانه بررسی و فراوانی آنها بیان شده است.

ه) نوع مخاطب: ناتل خانلری نوع مخاطب در وجه امری را سه صیغه معرفی می‌کند و می‌نویسد: «وجه امری از همان ماده مضارع ساخته می‌شود و به خلاف زمان‌های وجوه دیگر سه صیغه بیشتر ندارد [مثل] بنویس، بنویسیم، بنویسید.» (ناتل خانلری، ۱۳۸۰: ۱۲۳) که این سه صیغه عبارتند از دوم شخص مفرد (تو)، دوم شخص جمع (شمایان) و اول شخص جمع (ما).

در مجموع این پژوهش به منظور بررسی کلی وجه امری در غزلیات حافظ و یافتن پاسخی بر پرسش‌های زیر انجام شده است که وجه امری در غزلیات حافظ:

- بیشتر مبتنی بر امر است یا نهی؟
- بیشتر در قالب فعل‌های ساده آمده است یا غیرساده؟
- بیشتر در قالب کدامیک از ساختمان‌های فعلی امر و نهی آمده است؟
- بیشتر مبتنی بر کدامیک از اغراض بیست‌گانه شمیسا است؟
- روی سخن بیشتر متوجه چه مخاطبانی است؟

۱- پیشینه پژوهش

این موضوع از دو منظر در مقاله‌های ادبی بررسی شده است گروهی به لحاظ ساختاری و گروهی به لحاظ مصداقی به بررسی وجه امری پرداخته‌اند. در گروه اول می‌توان از مقاله‌های «رویکرد کمینه گرا به نوع بندی نحوی جملات امری در فارسی» و «معنی شناسی جملات امری در فارسی» یاد کرد که بیشتر به مفهوم و کارکرد وجه امری در شعر فارسی پرداخته‌اند و در گروه دوم- یعنی مقاله‌های مصداقی- دو مقاله «بررسی کارکردهای دینی و اخلاقی جملات پرسشی و امری در قصاید سنایی» و «بررسی نقش‌های معنایی جملات پرسشی و امری در قصاید خاقانی» می‌گنجند که این دو وجه را فقط بر اساس اغراض گوینده از بیان وجه امری و پرسشی، در اشعار خاقانی و سنایی جستجو کرده‌اند. اما در هیچ پژوهشی وجه امری در شعر حافظ بررسی نشده است که شاید نزدیک‌ترین مقاله به پژوهش حاضر مقاله‌ای به نام «نقش‌های معنایی- منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ» است که وجه پرسشی را دستمایه پژوهش قرار داده است.



شایان ذکر است که وجه‌امری در هیچکدام از مقالات مشابه به گستردگی پژوهش حاضر بر اساس پنج معیار **نوع فعل، نوع وجه امری (امر یا نهی)، ساختمان فعل، اغراض وجه امری و نوع مخاطب** بررسی نشده است.

۲- روش پژوهش

جامعه آماری این دیوان غزل حافظ است که وجه امری در تمام ابیات و غزلیات حافظ شیرازی جستجو و ۱۸۳۵ مورد (Record) از ۴۹۵ غزل حافظ به دست آمد و پنج معیار **نوع فعل، نوع وجه امری (امر یا نهی)، ساختمان فعل، اغراض وجه امری و نوع مخاطب** در قالب نرم‌افزار اکسل قرار گرفت و از منظرهای مختلف به لحاظ آماری (فراوانی) و تحلیلی بر اساس آرای استادان دستور سنجیده شد.

۳- بحث

۱-۴. نوع فعل

در خصوص ساده یا غیرساده بودن افعال در دستور ادبیات فارسی میان صاحب‌نظران اختلاف‌هایی است برخی همچون فرشیدور معتقدند «افعال یا ساده‌اند یا گروه فعلی یا فعل مرکب» (مجد، ۱۳۹۴: ۷۰) و پرویز ناتل خانلری در جلد دوم تاریخ دستور فارسی، و بیان انواع فعل در فارسی دری تقسیم‌بندی پنجگانه‌ای را مطرح و عنوان می‌کند: «فعل در فارسی دری پنج نوع ساختمان مختلف دارد: (۱) ساده (۲) پیشوندی (۳) مرکب (۴) عبارت فعلی (۵) فعل‌های ناگذر» (ناتل خانلری، ۱۳۸۰: ۱۱۵)

در این پژوهش برای سهولت نتیجه‌گیری فعل‌های امر و نهی در غزلیات حافظ به دو دسته ساده و غیرساده تقسیم شده‌اند و «فعل ساده به افعالی می‌گوییم که از یک ماده حاصل شده‌اند یعنی دارای اجزایی نیستند که بتوان آنها را جدا کرد و در ترکیب با جزئی دیگر به کار برد. (ناتل خانلری، ۱۳۸۲: ۱۱۶)

نتایج جستجو در خصوص افعال ساده و غیرساده در وجه امری گواه آن است که از ۱۸۳۵ مورد وجه امری پیدا شده در غزلیات حافظ (اعم از فعل امر یا نهی)، ۱۲۷۱ فعل ساده و ۵۶۴ فعل غیرساده بوده‌اند. به عبارت دیگر ۶۹ درصد افعال وجه امری در دیوان حافظ، فعل ساده و ۳۱ درصد فعل غیرساده هستند. بنابراین حافظ یا به خاطر فراوانی ذاتی افعال ساده یا به سبب ضرورت وزنی و بیانی شعر، از افعال ساده بهره برده است. به طوری که دو سوم افعال امر و نهی حافظ را افعال ساده تشکیل داده‌اند.



۴-۲. وجه امری

وجه امری یکی از وجوه افعال فارسی در کنار «وجه اخباری، وجه التزامی، وجه امری، وجه شرطی و وجه تمنایی» (ناتل خانلری، ۱۳۸۲: ۱۹۸-۱۹۹) است و «به شیوه‌ای از استعمال فعل اطلاق می‌شود که به وسیله آن گوینده وضع خود را نسبت به جریان فعل بیان می‌کند» (ناتل خانلری، ۱۳۸۲: ۱۹۸)

امید مجد نیز در کتاب دستور زبان فارسی با رویکرد آموزشی که خلاصه کتاب دستور مفصل امروز نوشته دکتر خسرو فرشیدورد است، وجه فعل را چنین تعریف کرده است: «وجه فعل صورت یا جنبه‌ای از آنست که بر اخبار و احتمال و امر و آرزو و تمنا و تاکید و بعضی امور دیگر دلالت می‌کند» (مجد، ۱۳۹۴: ۵۸) و معتقد است: «امروزه در زبان فارسی شش وجه داریم ۱. وجه اخباری ۲. وجه التزامی ۳. وجه امری ۴. وجه تاکیدی ۵. وجه مصدری ۶. وجه وصفی» (مجد، ۱۳۹۴: ۵۹)، مجد در تعریف وجه امری بر واژه **طلب** تاکید می‌کند و می‌نویسد: «وجه امری یا فعل امر آنست که بر طلب دلالت کند.

این طلب ممکن است فرمان یا خواهش یا تمنا یا اموری دیگر از این قبیل باشد» (مجد، ۱۳۹۴: ۵۹) و ناتل خانلری زیرشاخه‌های وجه امری را چنین تبیین می‌کند: «وجه امری صورتی از فعل است که با آن فرمانی داده می‌شود، به اثبات یا نفی یا درخواست اجرای فعلی بیان می‌شود.» (ناتل خانلری، ۱۳۸۲: ۱۹۹) بنابراین وجه امری به دو زیرشاخه امر و نهی تقسیم می‌شود و اعتقاد بر این است که فعل نهی، صورت منفی فعل امر است لذا گفته شده: «برای ساختن صیغه منفی امر - که امر منفی یا نهی نام دارد - نشانه نفی «**ـ**» جانشین جزء پیشین «**ـ**» می‌شود. (سعادت، ۱۳۸۴، ج ۱: ۵۱۵) البته «نشانه نفی در این دوره (فارسی دری)، جزء پیشین «**ـ**» است» (ناتل خانلری، ۱۳۸۲: ج ۲، ۳۰۳)

در این پژوهش، پس از بررسی ۴۹۵ غزل حافظ شیرازی، ۱۸۳۵ مورد وجه امری یافت و نتایج زیر حاصل شد:

۴-۲-۱) فراوانی افعال امر و نهی:

از ۱۸۳۵ مورد وجه امری یافت شده در غزلیات حافظ، ۱۴۴۴ مورد آن به افعال امر و ۳۹۱ مورد به افعال نهی اختصاص دارد. به عبارت دیگر ۷۹ درصد وجه امری در شعر حافظ را افعال امری و ۲۱ درصد آن را افعال نهی به خود اختصاص داده‌اند که می‌توان نتیجه گرفت: «حافظ در غزل‌هایش بیشتر به فراخوان و دعوت گرایش دارد تا نهی و منع.»



۴-۲-۲) غزل‌هایی با ردیف فعل امر یا نهی:

از ۴۹۵ غزل دیوان حافظ، ردیف ۲۲ غزل را افعال امر و ردیف ۴ غزل را افعال نهی تشکیل داده‌اند. برای نمونه به دو مورد از غزل‌های با ردیف امر و دو مورد از غزل‌های با ردیف نهی اشاره می‌کنیم:

- فعل امر «یاد آرید» به عنوان ردیف غزل ۲۴۱ با مطلع «معاشران ز حریف شبانه یاد آرید/حقوق بندگی مخلصانه یاد آرید»،
- فعل امر «به من آر» به عنوان ردیف غزل ۲۴۸ با مطلع «ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آرزار و بیمار غمم راحت جانی به من آر»،
- فعل نهی «دریغ مدار» به عنوان ردیف غزل ۲۴۷ با مطلع «صبا ز منزل جلنان گذر دریغ مدار / وز او به عاشق بی‌دل خبر دریغ مدار»،
- فعل امر «غم مخور» به عنوان ردیف غزل ۲۵۵ با مطلع «یوسف گمگشته بازآید به کنعان غم مخور / کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور».

۴-۲-۳) بیشترین سهم فعل امر در یک غزل:

بیشترین وجه امری (اعم از فعل امر و فعل نهی) در غزل ۲۵۷ با مطلع «روی بنما و مرا گو که ز جان دل برگیر/ پیش شمع آتش پروا نه به جان گو درگیر» با ۴۰ مورد یافت شد. حافظ در این غزل از ۳۶ فعل امر و ۴ فعل نهی بهره برده است. رتبه‌های دوم و سوم فراوانی کاربرد وجه امری به ترتیب به غزل ۳۹۷ با مطلع «ز در درآ و شبستان ما منور کن / هوای مجلس روحانیان معطر کن» با ۲۵ مورد و غزل ۲۵۰ با مطلع «روی بنمای و وجود خودم از یاد ببر/خرمن سوختگان را همه گو باد ببر» با مورد ۲۲ تعلق گرفته است.

۴-۲-۴) حذف فعل:

در جستجوی وجه امری در دیوان حافظ به مصراع‌هایی برمی‌خوریم که وجه امری به طور کامل با ناقص حذف شده که در این ابیات، حذف فعل به سه شیوه زیر رخ داده است:

۴-۲-۴-۱) حذف بی‌قرینه: در مجموع ۴ فعل زیر در غزلیات حافظ بدون قرینه حذف شده‌اند:

- حذف فعل **نگر** در مصراع به «چشم عقل در این رهگذار پرآشوب» از غزل ۴۵



- حذف فعل **بده** در مصراع «ساقیا یک جرعه‌ای زان آب آتشگون که من» از غزل ۲۶۵
- حذف فعل **برو** در مصراع «ای رقیب از بر او یک دو قدم دورترک» از غزل ۳۰۱
- حذف فعل **لطف کن** در مصراع «سخت خوب است ولیکن قدری بهتر از این» از غزل ۴۰۴

۲-۴-۲) حذف با قرینه: در مجموع ۳ فعل زیر در غزلیات حافظ با قرینه حذف شده‌اند:

- حذف **مباش** در مصراع «از بهر این معامله غمگین مباش و شاد» از غزل ۱۰۰ که در واقع شاد مباش است.
- حذف **باش** در مصراع «گو نه دل باش و نه ایام چه خواهد بودن» از غزل ۳۹۱ که نه ایام باش است.
- حذف **شو** در مصراع «پاک و صافی شو و از چاه طبیعت به درآی» از غزل ۴۲۳ که پاک شو است.

۳-۴-۲) حذف همگرد فعل: در مجموع در ۱۲ مصراع زیر، همگرد «کن» نیامده و به عبارتی حذف شده است:

- **مددی کن** در مصراع‌های: «ساروان بار من افتاد خدا را مددی» از غزل ۱۳۴، «ای دلیل دل گمگشته خدا را مددی» از غزل ۲۲۲، «خدای را مددی ای رفیق ره تا من» از غزل ۳۳۳، «پارسایان مددی تا خوش و آسان بروم» از غزل ۳۵۹، «کار از تو می‌رود مددی ای دلیل راه» از غزل ۳۶۴ و «دل بیمار شد از دست رفیقان مددی» از غزل ۳۷۷.
- **رحمی کن** در مصراع‌های «خدا را رحمی ای منعم که درویش سر کویت» از غزل ۱۴۹ و «فقیر و خسته به درگاهت آمدم رحمی» از غزل ۲۶۶.
- **همتی کن** در مصراع‌های «جناب عشق بلند است همتی حافظ» از غزل ۲۰۱ و «همتی تا به سلامت ز درم بازآید» از غزل ۲۳۶.
- **سببی ساز** در مصراع «معرفت نیست در این قوم خدا را سببی» از غزل ۲۵۲.
- **نفسی ده** (مهلتی ده) در مصراع «گو نفسی که روح را می‌کنم از پی اش روان» از غزل ۳۸۲

۴-۳. ساختمان فعل

پرویز ناتل خانلری، چهار صورت یا ساختار را برای وجه امری برشمرده و نوشته است: «در متون دوره اول فارسی دری صیغه‌های فعل امر به چهار صورت به کار رفته است:



الف- مجرد از پیشوند فعلی: رو، کن، شوید، زنید،

ب- با پیشوند فعلی «ب» : برو، بکن، بشوید، بزنید،

ج- با پیشوند فعلی «همی/می»: همی رو، همی کن، همی شوید، همی زنید،

د- با پیشوند «ب» و «می»: بمی رو.» (ناتل خانلری، ۱۳۸۲: ۲۹۷).

گفتنی است این قاعده در فعل امر و نهی افعال مرکب نیز بر جزء همگرد فعل مرکب اعمال می‌شود. بر این اساس، نتایج زیر از تقسیم‌بندی ساختار وجه‌امری در غزل‌های حافظ حاصل شد:

الف) مجرد از پیشوند فعلی: ۸۳۹ مورد یا فعل، به صورت مجرد به کار رفته است که تمامی این موارد در افعال امر دیده شده است. در واقع هیچ فعل نهی به صورت مجرد به کار نرفته است.

ب) با پیشوند فعلی «ب» یا «م»: ۹۷۹ مورد یا فعل با پیشوند فعلی «ب» یا «م» آمده است که از این میان ۵۸۸ مورد به فعل‌های امر و ۳۹۱ مورد به فعل‌های نهی تعلق دارد.

ج) با پیشوند فعلی «همی/می»: ۱۷ مورد یا فعل با پیشوند فعلی «همی یا می» آمده است که تمامی آنها به افعال امر اختصاص دارد.

د) با پیشوند «ب» و «می»: در ابیات دیوان حافظ هیچ فعل امر یا نهی با پیشوند «ب» و «می» ساخته و به کار گرفته نشده است.

در مجموع می‌توان گفت ۵۳ درصد افعال با پیشوند فعلی «ب» یا «م»، ۴۶ درصد مجرد از پیشوند فعلی و فقط یک درصد با پیشوند فعلی «همی/می» به کار رفته‌اند.

۴-۴. اغراض وجه امری



به اینکه فعل امر در جمله یا بیت به چه منظور به کار رفته است و نویسندگان یا شاعر، چه نیت و انگیزه‌ای از به کار بردن فعل امر داشته‌اند، «غرض فعل» گفته می‌شود. سیروس شمیسا در کتاب *بیان و معانی*، ۱۳ غرض زیر را برای به کار بردن فعل امر برشمرده است که عبارتند از:

«۱. عبرت، ۲. دعا، ۳. تمنا و تقاضا و آرزو، ۴. ارشاد و ترغیب و تشویق، ۵. تهدید و تحذیر، ۶. تعجیز، ۷. تعریض، ۸. تسویه و تخییر، ۹. اذن و اجازه، ۱۰. تعجب، ۱۱. استهزا و تحقیر، ۱۲. استرحام و ۱۳. نهی» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۹۳-۱۹۶)

به کار بردن فعل نهی نیز «در اصل برای طلب نکردن و تحریم است اما گاهی غرض از آن مطلب دیگری است» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۹۷). غرض‌های فعل نهی در نظر شمیسا عبارتند از: «۱. تمنا و آرزو، ۲. دعا، ۳. ارشاد، ۴. توبیخ، ۵. تهدید و تحذیر، ۶. تشویق و ۷. امر» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۹۶-۱۹۷).

وجه امری یافته شده در غزلیات حافظ در ترازوی این سنجه‌ها قرار گرفت و نتایج ذیل حاصل شد. گفتنی است برخی از افعال همزمان در دو یا سه سنجه می‌گنجیدند و بسته به دریافت مخاطب از شعر ممکن است غرض فعل امر یا نهی متفاوت باشد لذا تلاش شد نزدیکترین غرض برای هر فعل تعیین شود.

۲-۴-۴. اغراض فعل امر

تعداد ۱۴۴۴ فعل امر در غزلیات حافظ بر اساس ۱۳ سنجه و غرض به شرح ذیل سنجیده شد. این اغراض به ترتیب فراوانی در غزلیات حافظ به قرار زیرند:

۴-۴-۲-۱. اذن و اجازه:

این غرض بیشتر جنبه دستوری دارد و حافظ این غرض را بیشتر زمانی به کار می‌برد که می‌خواهد کسی را به انجام دادن کاری دعوت کند، فرا بخواند یا راه و شیوه‌ای را به او توصیه کند. این غرض، به طور معمول با منادا به کار می‌رود مانند این مصراع از غزل ۲۴۹: «ساقیا آن قدح آینه کردار **بیار**» که آوردن فعل امر «بیار» که جنبه دستوری دارد با آوردن منادای «ساقیا» همراه شده است.



غرض اذن و اجازه با فراوانی ۹۵۹ مورد و سهم ۶۶ درصدی، بیشترین غرض حافظ از به کار بردن فعل امر بوده است. به عبارت دیگر نزدیک به دوسوم از فعل‌های امر حافظ به فراخواندن و دعوت کردن دیگران یا خود به کاری اختصاص دارد.

۴-۲-۴-۲. ارشاد و ترغیب و تشویق:

این غرض بیشتر جنبه راهنمایی و دلسوزی دارد و حافظ سعی می‌کند چراغی فراروی مخاطب خود روشن کند تا به راهی درست قدم بردارد و کاری شایسته انجام دهد. این غرض با فراوانی ۱۴۵ مورد و سهم ۱۰ درصدی، رتبه دوم اغراض فعل امر را به خود اختصاص داده است.

۴-۲-۴-۳. تمنا و تقاضا و آرزو:

این غرض با احترامی بیشتر از غرض اذن و اجازه، بیان‌کننده درخواست و تمنای حافظ از مخاطب خود است مانند این مصراع از غزل ۴۷۶ که با احترام از یار چنین درخواستی می‌کند: «گذر به کوی فلان کن در آن زمان که تو دانی». این غرض با فراوانی ۷۰ مورد و سهم ۴/۸ درصدی، رتبه سوم اغراض فعل امر را به خود اختصاص داده است.

۴-۲-۴-۴. دعا:

حافظ زمانی که دست به دامان خداوند می‌زند و خواهشی از او دارد، با آوردن عبارتهایی همچون «یارب»، «خداوندا»، «خدایا» و نام‌های دیگر پروردگار از این غرض بهره می‌برد و به فعل امر خود رنگ دعا می‌زند مانند این مصراع از غزل ۵۲ که می‌گوید: «دولت فقر خدایا به من ارزانی دار». این غرض با فراوانی ۴۶ مورد و سهم ۳/۲ درصدی، رتبه چهارم اغراض فعل امر را به خود اختصاص داده است.

۴-۲-۴-۵. استرحام:

حافظ فعل‌های امر استرحامی را بیشتر خطاب به خداوند و بعد از آن خطاب به محبوب خود بیان می‌کند و مستقیم یا غیرمستقیم او را به مهربانی و عطف فرامی‌خواند. مانند این مصراع از غزل ۲۶۶ که می‌گوید: «فقیر و خسته به درگاهت آدم رحمی» که در این مثال واژه رحمی دلیلی بر درخواست رحمت است. این غرض با فراوانی ۴۴ مورد و سهم ۳ درصدی، رتبه پنجم اغراض فعل امر را به خود اختصاص داده است.



۴-۲-۴-۶. تعجب:

در این غرض، حافظ حیرت و تعجب خود را با آوردن افعال امری همچون «بین» و «بین» و «نگر» و صیغه‌های دیگر فعل دیدن و نگریستن نشان می‌دهد و به این بهانه، امری تعجب‌برانگیز را بیان می‌کند. مانند این مصراع از غزل ۱۱۱ که می‌گوید: «این گدا بین که چه شایسته انعام افتاد».

این غرض با فراوانی ۴۰ مورد و سهم ۲/۸ درصدی، رتبه ششم اغراض فعل امر را به خود اختصاص داده است.

۴-۲-۴-۷. تعریض:

به تعریض سخن گفتن یعنی بیان کنایه‌آمیز سخن. در این غرض، حافظ کنایه‌های خود را در جامه افعال امری دوپهلوی بیان می‌کند و منظورش معنای دوم فعل است مانند این مصراع از غزل ۳۲ «به خنده گفت که حافظ برو که پای تو بست» حافظ در این بیت، یار را تهدید می‌کند که از جور او از شهر خواهد رفت و محبوب به شوخی و کنایه به زبان امروزی می‌گوید: «برو! چه کسی جلوی تو را گرفته است.» این غرض با فراوانی ۳۰ مورد و سهم ۲/۱ درصدی، رتبه هفتم اغراض فعل امر را به خود اختصاص داده است.

۴-۲-۴-۸. استهزا و تحقیر:

حافظ با به کارگیری این غرض، در مقابله با مخالفان و بدخواهان زبان به نکوهش و تحقیر آنها می‌گشاید و کوچک‌انگاری و به سخره گرفتن حریف را با فعل امر بیان می‌کند. مانند این مصراع از غزل ۴۰۴ که به خواجه تهی‌مغز چنین می‌گوید: «برو ای خواجه عاقل هنری بهتر از این». این غرض با فراوانی ۲۷ مورد و سهم ۱/۹ درصدی، رتبه هشتم اغراض فعل امر را به خود اختصاص داده است.

۴-۲-۴-۹. تسویه و تخییر:

فعل امر با غرض تسویه و تخییر زمانی به کار می‌رود که شاعر دوره‌ای انتخاب را به مخاطب نشان می‌دهد سپس توصیه خود را بیان می‌کند و انتخاب را به اختیار یا به عبارتی به خرد او واگذار می‌کند مانند این مصراع از غزل ۴۸۵ که می‌گوید: «روی جانان طلبی آینه را قابل ساز» حافظ از این غرض در جملات شرطی نیز بهره می‌برد مانند این بیت از غزل ۴۴۶ «قدم برون نه اگر میل جست و جو داری». این غرض با فراوانی ۲۲ مورد و سهم ۱/۵ درصدی، رتبه نهم اغراض فعل امر را به خود اختصاص داده است.



۴-۴-۲-۱۰. عبرت:

این غرض را حافظ زمانی اختیار می‌کند که می‌خواهد خود یا مخاطب را به عبرت گرفتن از روزگار و حوادث آن دعوت کند مانند این مصراع از غزل ۱۲۱ «چو بر روی زمین باشی توانایی غنیمت دان» این غرض با فراوانی ۲۰ مورد و سهم ۱/۴ درصدی، رتبه دهم اغراض فعل امر را به خود اختصاص داده است.

۴-۴-۲-۱۱. تهدید و تحذیر:

غرض برخی از افعال امر، برحذرداشتن مخاطب از درافتادن در دره‌های خطا و فکرهای اشتباه و انتخاب‌های ناپسند است. مانند این مصراع از غزل ۴۵ «جریده رو که گذرگاه عافیت تنگ است» این غرض با فراوانی ۱۸ مورد و سهم ۱/۲ درصدی، رتبه یازدهم اغراض فعل امر را به خود اختصاص داده است.

۴-۴-۲-۱۲. نهی:

این غرض دربردارنده مفهومی بازدارنده است به طوری که گوینده با بهره‌گیری از این فعل امر، مخاطب خود را از انجام دادن کاری باز می‌دارد.

یکی از افعال پرتکرار امر در غزلیات حافظ که حاوی این مفهوم است، فعل «خموش» است به طوری که از ۱۸ مورد افعال با مفهوم نهی، در ۶ مصراع از فعل خموش استفاده کرده است مانند این بیت غزل ۲۷۳ «خموش حافظ و از جور یار ناله مکن». این غرض با فراوانی ۱۸ مورد و سهم ۱/۲ درصدی، رتبه دوازدهم اغراض فعل امر را به خود اختصاص داده است.

۴-۴-۲-۱۲. تعجیز:

افعال امر با غرض تعجیز زمانی به کار می‌روند که شاعر با به کار بردن این فعل امر، عجز و کاستی‌های مخاطب را به رخ او می‌کشد. این افعال از درون حسی از تحقیر و سرزنش را نیز القا می‌کنند. مانند این مصراع از غزل ۴۵۳: «**رو** که تو مست آب انگوری». این غرض با فراوانی ۵ مورد و سهم ۰/۳ درصدی، رتبه سیزدهم اغراض فعل امر را به خود اختصاص داده است.

۴-۴-۳. اغراض فعل نهی



۳۹۱ فعل نهی در غزلیات حافظ بر اساس ۷ سنجه و غرض به شرح ذیل سنجیده شد. این اغراض به ترتیب فراوانی در غزلیات حافظ به قرار زیرند:

۴-۳-۱. تهدید و تحذیر:

افعال نهی در این گونه، در بردارنده پیامی بر حذر دارنده هستند که مخاطب را از انجام دادن کاری یا برگزیدن شیوه‌ای بر حذر می‌دارد و مفهوم **دورباش** را به او انتقال می‌دهد. مانند این مصراع از غزل ۲۸ که حافظ مخاطب خود را از ناامیدی از لطف پروردگار بر حذر می‌دارد: «دلا طمع مبر از لطف بی‌نهایت دوست» این غرض با فراوانی ۱۴۳ مورد و سهم ۳۶/۷ درصدی، بیشترین سهم از اغراض فعل نهی را به خود اختصاص داده است.

۴-۳-۲. ارشاد:

حافظ در افعال نهی با مفهوم ارشاد، مخاطب را با منع کردن از راه اشتباه به راه درست هدایت می‌کند و با بازداشتن او را به درستکاری فرا می‌خواند مانند این مصراع از غزل ۷۷ «گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن». این غرض با فراوانی ۷۳ مورد و سهم ۱۸/۷ درصدی، رتبه دوم اغراض فعل نهی را به خود اختصاص داده است.

۴-۳-۳. امر:

همانطور که برخی از افعال امر مفهوم نهی دارند، برخی از افعال نهی نیز به مخاطب امر می‌کنند که کاری را انجام دهند و اتفاقی را رقم بزنند. مانند این مصراع از غزل ۷۶ که آزار دادن دیگران را بدترین کار معرفی می‌کند و می‌گوید هرکاری می‌خواهی انجام بده فقط از آزار رساندن دوری کن. به عبارت دیگر او را به دوری کردن از آزار دیگران امر می‌کند و می‌گوید: «مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن». این غرض با فراوانی ۶۷ مورد و سهم ۱۷/۲ درصدی، رتبه سیزدهم اغراض فعل نهی را به خود اختصاص داده است.

۴-۳-۴. توبیخ:

غرض توبیخ به لحاظ معنایی به غرض تهدید و تحذیر نزدیک است با این تفاوت که در تحذیر، فردی که او را از کاری بر حذر می‌دارند، بر خطا و اشتباه خود اصرار ندارد لذا گوینده او را از ادامه کار بر حذر می‌دارد اما غرض توبیخ شامل حال کسی می‌شود که بر خطا، ماندگار شده و خطاکاری به جانش رسوخ کرده است. در این حالت گوینده یا شاعر با لحنی سرزنش‌آمیز او را نکوهش می‌کند که نباید این کار را انجام می‌داد.



در این حالت گوینده قصد اصلاح او را ندارد فقط می‌خواهد مانع فتنه‌انگیزی بیشتر او شود مانند این مصراع از غزل ۴۹ «ای توانگر مفروش این همه نخوت که تو را». این غرض با فراوانی ۶۴ مورد و سهم ۱۶/۴ درصدی، رتبه چهارم اغراض فعل نهی را به خود اختصاص داده است.

۴-۳-۱. تشویق:

در این حالت از فعل نهی، نوعی امیدواری و شوق وجود دارد که برای نمونه می‌توان به فعل «غم مخور» در غزل ۲۵۵ اشاره کرد که حافظ با آوردن فعل نهی «غم مخور»، مخاطب را به گشایش، دعوت و او را به امیدواری تشویق می‌کند. مانند این مصراع از این غزل که می‌گوید: «یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور». این غرض با فراوانی ۲۲ مورد و سهم ۵/۶ درصدی، رتبه پنجم اغراض فعل نهی را به خود اختصاص داده است.

۴-۳-۱. تمنا و آرزو:

فعل نهی وقتی دربردارنده درخواست گوینده یا آرزوی رسیدن او به هدفی باشد، مفهوم تمنا و آرزو به خود می‌گیرد. به عبارتی گوینده از مخاطب خود می‌خواهد مانع از رسیدن او به خواسته و آرزویش نشود تا زمینه برای تحقق رویا و تمنای او فراهم شود مانند این مصراع از غزل ۵۱ «باغبان همچو نسیمم ز در خویش **مران**» که از باغبان می‌خواهد او را به داخل باغ راه دهد. این غرض با فراوانی ۱۴ مورد و سهم ۳/۶ درصدی، رتبه ششم اغراض فعل نهی را به خود اختصاص داده است.

۴-۳-۱. دعا:

و بالاخره اینکه وقتی فعل نهی مفهومی دعایی و خواهشی به خود می‌گیرد، غرض دعا در آن جلوه‌گر می‌شود. در این غرض نیز مانند غرض دعا در فعل امر، پای درخواست از خداوند در میان است و یکی از نشانه‌های آن آمدن عبارت‌های ندایی مانند «خدایا» و «یارب» در مصراع‌هایی با فعل نهی است مانند این مصراع از غزل ۱۶۰ «**روا مدار** خدایا که در حریم وصال». این غرض با فراوانی ۷ مورد و سهم ۱/۸ درصدی، رتبه هفتم اغراض فعل نهی را به خود اختصاص داده است.

۴-۵. نوع مخاطب



همانطور که در مقدمه بیان شد، نائل خانلری نوع مخاطب در وجه امری را سه صیغه **دوم شخص مفرد (تو)**، **دوم شخص جمع (شما یان)** و **اول شخص جمع (ما)** برشمرده است.

در گام نخست پژوهش این سه صیغه به عنوان مخاطبان وجه امری در نظر گرفته شد اما در ادامه دو موضوع زیر روشن شد:

الف) در غزلیات حافظ و همه غزلسرایانی که تخلص خود را در بیت یا ابیات پایانی غزل می‌آورند افعال نهی یا امری خطاب به خود شاعر بیان می‌شود. مثل این مصراع معروف حافظ که «تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز». در واقع شاعر گاه در بیت تخلص، فعل امر و نهی را خطاب به خود بیان می‌کند بنابراین لازم است وجوه امر «**خطاب به خود**» را به جمع مخاطبانی که نائل خانلری در کتاب تاریخ دستور فارسی آورده است، افزود.

ب) در جستجو و اندیشیدن در اشعار حافظ شیرازی بر نگارنده آشکار شد که نوع دیگری از مخاطب (دست کم در غزلیات حافظ) می‌توان برشمرد و آن «**سوم شخص مفرد (او)**» است. ما در کلام روزمره خود نیز گاه فعل امر یا نهی خود را به واسطه **دوم شخص مفرد**، خطاب به سوم شخص مفرد بیان می‌کنیم. برای مثال مدیری به معاون خود می‌گوید: «به منوچهری بگو آن پرونده را تکمیل کند» یا در گونه نهی، پدر خانواده به فرزندش می‌گوید: «برو به برادرت بگو خودرو را بیرون نیاورد.»

در هر دو حالت، دو فعل امر داریم فعل امر اول خطاب به دوم شخص مفرد است که از او می‌خواهد واسطه رساندن امر یا نهی او باشد (فعل بگو) و فعل امر یا نهی دوم آن است که خطاب به فرد غایب صادر می‌شود که در این دو مثال «تکمیل کند» و «بیرون نیاورد» بود. نمونه این شیوه در اشعار حافظ نیز دیده می‌شود. آنجا که در مصراع از غزل ۹۲ می‌گوید: «گو که بخرامد که پیش سروبالا میرمت» یعنی به او بگو که بخرامد در اینجا فعل بخرامد امری است خطاب به سوم شخص یا در مصراع از غزل ۳۸۱ خطاب به سوم شخص جمع می‌گوید: «وام حافظ بگو که بازدهند» یعنی برو به آن جمع غایب بگو که وام حافظ را پس بدهند. بنابراین برخلاف آنچه نائل خانلری معتقد است و مخاطبان را به سه ضمیر محدود کرده است، تمام ضمائر ششگانه زیر می‌توانند مخاطب فعل امر باشند:

اول شخص (من) (خطاب شاعر به خود)

دوم شخص (تو)

سوم شخص (او)



اول شخص جمع (ما)

دوم شخص جمع (شما)

سوم شخص جمع (آنها)

نتیجه بررسی نوع مخاطب در وجه امری بر اساس این ۶ گروه و به ترتیب فراوانی آنها به قرار زیر است:

۱-۵-۴. دوم شخص مفرد (تو)

از ۱۸۳۵ مورد وجه امری ۱۶۵۱ مورد خطاب به دوم شخص مفرد (تو) گفته شده که ۱۳۰۹ مورد آن، مربوط به افعال امر و ۳۴۲ مورد مربوط به افعال نهی است. به عبارت دیگر ۹۰ درصد وجوه امری شعر حافظ خطاب به دوم شخص مفرد بیان شده است. مانند این مصراع از غزل یک « به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید»

۲-۵-۴. اول شخص مفرد (من یا خطاب به خود حافظ)

حافظ ۱۲۳ مورد از وجوه امری به کار رفته در بیت تخلص غزلیاتش را خطاب به خود بیان کرده است که از این میان، ۸۰ مورد با فعل امر و ۴۳ مورد با فعل نهی آمده است که این دسته، سهم ۶/۷ درصدی از کل وجوه امری در شعر حافظ را به خود اختصاص داده است.

۳-۵-۴. دوم شخص جمع (شما)

رتبه سوم در این دسته‌بندی با ۴۵ مورد و سهم ۲/۵ درصدی به مخاطب دوم شخص جمع (شما) تعلق می‌گیرد مانند این مصراع از غزل ۱۲ « دل خرابی می‌کند دلدار را آگه کنیده». در این دسته فقط ۵ مورد به فعل نهی اختصاص دارد.

۴-۵-۴. اول شخص جمع (ما)

مخاطب وجه امری شعر حافظ در ۱۰ مورد، با سهم نیم دهم درصدی، مخاطب اول شخص جمع (ما) است. مانند این مصراع از غزل ۸۴ «وقت عزیز رفت بیا تا قضا کنیم». نکته جالب در خصوص این دسته آن است که هر



وقت حافظ می‌خواهد فعل امر خود را خطاب به **ما** بیان کند یا از فعل امر «**خیز**» استفاده می‌کند یا از فعل امر «**بیا**». به طوری که از ۱۰ مورد ذکر شده ۴ مورد با فعل **خیز** و ۶ مورد با فعل **بیا** آمده شده است. مانند این مصراع از غزل ۷۷: «خیز تا بر کلک آن نقاش جان افشان کنیم» یا این مصراع از غزل ۱۰۱: «بیا بیا که زمانی ز می خراب شویم».

۵-۵-۴. سوم شخص مفرد (او)

در این گونه کمیاب ۵ مورد از افعال امر خطاب به «او» بیان شده است که همانطور که گفته شد در این گونه گوینده، دوم شخص مفرد (تو) را واسطه بیان امر خود به سوم شخص می‌کند مانند نمونه‌های زیر:

«گو که **بخرامد** که پیش سروبالا میرمت» از غزل ۹۲

«صبا را گو که **برد/ارد** زمانی برقع از رویت» از غزل ۹۵

«بفرما لعل نوشین را که زودش **باقرار آورد**» از غزل ۱۱۵

«گو **برو** و آستین به خون جگر شوی» از غزل ۱۲۷

«زلف هندوی تو گفتم که دگر ره **نزند**» از غزل ۲۱۳

۵-۵-۴. سوم شخص جمع (آنها)

مخاطب فعل امر حافظ فقط در یک مصراع، سوم شخص جمع بوده است: «وام حافظ بگو که **بازدهند**» از

غزل ۳۸۱

۵. نتیجه

۱.۵. در مجموع ۱۸۳۵ فعل امر و نهی در ۴۹۵ غزل حافظ شیرازی یافت شد که ۷۹ درصد آنها به صورت **فعل ساده** و ۲۱ درصد به صورت افعال غیرساده (اعم از مرکب، پیشوندی و...) بوده‌اند. به عبارت دیگر چهارپنجم وجوه امر در دیوان حافظ را افعال ساده تشکیل داده‌اند که می‌توان علت‌های احتمالی زیر را برای توجیه فراوانی چشمگیر افعال ساده در غزلیات حافظ برشمرد:

(الف) به کارگیری افعال ساده در تنگنای وزن و معنا برای حافظ آسان‌تر و کم‌دردس‌تر بوده است،

(ب) در دوره حافظ استفاده از افعال ساده معمول‌تر بوده لذا در شعر او بازتاب بیشتری یافته است،



ج) تمایل درونی حافظ به سادگی دستوری موجب این کار شده است،

د) فراوانی افعال ساده در ادبیات فارسی بیشتر از افعال غیرساده است پس طبیعی است که بسامد افعال ساده بیشتر خواهد بود.

۲.۵. از ۱۸۳۵ فعل امر و نهی در دیوان حافظ شیرازی ۶۹ درصد آنها را فعل امر و ۳۱ درصد را افعال نهی تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر دوسوم وجوه امر در دیوان حافظ از نوع فعل امر است که این نظریه را قوت می‌بخشد که حافظ به توصیه و دعوت گرایش بیشتری دارد تا بازداشت و نهی.

۳.۵. از نظر ساختمان فعل، ۸۳۹ فعل مجرد از پیشوند، ۹۷۹ فعل با پیشوند فعلی «ب» یا «م» و ۱۷ فعل با پیشوند فعلی «می یا همی» آمده است و نکته قابل توجه این است که افعال نهی چون با پیشوند فعلی «ن» یا «م» شناخته می‌شوند فقط با این ساختار در غزلیات حافظ دیده شدند.

۴.۵. در خصوص اغراض فعل امر و مفهومی که باز می‌نمایند، بیشترین فراوانی با اختلاف چشمگیر به غرض «اذن و اجازه» تعلق دارد، آنجا که حافظ، دستوری را صادر می‌کند و مخاطب را به کاری وامی‌دارد. بعد از این غرض، رتبه‌های دیگر فراوانی به «ارشاد، ترغیب و تشویق»، سپس به غرض «تمنا و تقاضا و آرزو» تعلق گرفته است.

۵.۵. در خصوص اغراض فعل نهی و مفهومی که باز می‌نماید، بیشترین فراوانی به غرض «تهدید و تحذیر» تعلق گرفته است، آنجا که حافظ، مخاطب را از کار و اندیشه و روشی برحذر می‌دارد. بعد از این غرض، رتبه‌های دیگر فراوانی به غرض «ارشاد»، سپس به غرض «امر» تعلق گرفته است.

۵.۶. از نظر نوع مخاطب، پرویز ناتل خانلری، سه دسته مخاطب (دوم شخص مفرد(تو)، دوم شخص جمع(شمایان) و اول شخص جمع(ما)) را برای وجه امری برمی‌شمرد که تامل در غزلیات حافظ، نگارنده را به این نتیجه رساند که حافظ وجه امری را خطاب به تمام ضمایر به کار برده است لذا در دیوان حافظ نمونه‌هایی خطاب بر شش ضمیر اول شخص مفرد و جمع، دوم شخص مفرد و جمع، و سوم شخص مفرد و جمع به کار رفته است اما از نظر فراوانی، بیشترین فراوانی خطاب وجه امری به «دوم شخص مفرد» با سهم ۹۰ درصدی، پس از آن خطاب «اول شخص مفرد(به خود حافظ)» با سهم ۶/۷ درصدی، سپس خطاب به «دوم شخص جمع» با سهم ۲/۵ درصدی، بعد از آن به «اول شخص جمع(ما)» نیم دهم درصدی و بعد با ۴ مورد به «سوم شخص مفرد(او)» و



سرانجام با یک مورد به «سوم شخص جمع(آنها)» تعلق می‌گیرد. لذا شایسته است این نکته ارزشمند را که از غزلیات حافظ به دست آمده است به کتاب‌های دستور فارسی اضافه شود که: «وجه امری خطاب به همه ضمائر بیان می‌شود.»





منابع

- اشرف الکتابی، امیر (۱۳۶۶)، *دستور زبان فارسی (پنج استاد)*، تهران: انتشارات اشرفی.
- آهنگر، عباسعلی و مغانی، حسین (۱۳۶۹)، «رویکردی کمینه‌گرا به نوع بندی نحوی جملات امری در فارسی»، *مجله زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، سال دوم، شماره ۴، ص ۷-۳۳.
- حافظ شیرازی، خواجه محمد (۱۳۷۷). *دیوان غزلیات حافظ*، تهران: انتشارات صفیعلیشاه.
- رحیمیان، جلال و شکری احمدآبادی، کاظم (۱۳۸۱)، «نقش‌های معنایی- منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۱۸، شماره ۳۵، ص ۱۷-۳۴.
- سعادت، اسماعیل (۱۳۸۴)، *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، ج ۱، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سلیمی، حسین و علوی، بشیر (۱۳۹۹)، «بررسی کارکردهای دینی و اخلاقی جملات پرسشی و امری در قصاید سنایی»، *مجله پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، سال دوازدهم، شماره ۴۷، ص ۱-۲۶.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). *بیان و معانی*، تهران: انتشارات فردوس.
- کاردانی، چنور و مالمیر، تیمور (۱۳۸۸)، «بررسی نقش‌های معنایی جملات پرسشی و امری در قصاید خاقانی»، *فصلنامه کاوشنامه*، سال دهم، شماره ۱۹، ص ۱۲۳-۱۵۲.
- مجد، امید (۱۳۹۴)، *دستور زبان فارسی با رویکرد آموزشی*، تهران: نشر امید مجد.
- مغانی، حسین (۱۳۹۷)، «معنی‌شناسی جملات امری در فارسی»، *فصلنامه مطالعات و گویش‌های غرب ایران*، سال ششم، شماره ۲۱، ص ۹۹-۱۲۶.
- ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۸۲)، *تاریخ زبان فارسی*، ج ۲، چاپ هفتم، تهران: فرهنگ نشر نو.
- ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۸۰)، *دستور زبان فارسی*، تهران: توس.



Imperative verbs in Hafez's Poems

Mohammad Hasan Arjmandifar¹, Dr. Khodabakhsh Asadolahi²

Abstract:

In this article we are going to study imperative verbs in Hafez's poetries to analyze his point of view about this grammatical issue and to lighten up the darkened side of Persian literature's grammar and reclaim its errors. The study of imperative verbs in Hafez's poems started with looking for imperative verbs in his poems by considering five different grammatical aspects and 1835 affirmative and negative imperative verbs have been found through 495 poems of Hafez. It has been concluded that almost 80 percent of those verbs are affirmative imperative and 20 percent are negative imperative. It has also been concluded that two third of those verbs are simple verbs and the rest are compound verbs. In the analyzation of structure of those verbs It has been clarified that the early majority of them belong to the group of imperative verbs without verbal prefix and the second majority belongs to imperative verbs with affirmative imperative maker prefix and negative imperative maker prefix. In this study we have understood that If we want to categorize imperative verbs into different groups by considering their intentions, we can claim that affirmative imperative verbs can be assorted into 13 different intentions and negative imperative verbs can be assorted into 7 different intentions and by considering these observations it has been concluded that the intentions of the majority of affirmative imperative verbs consist of "permission" and "encouragement" and the intentions of the majority of negative imperative verbs include "threatening" and "guiding". All in all, Hafez should be known as a guide in the aspect of using imperative verbs. If we want to take a look at his poems from the fifth aspect which is the addressor's view we can recognize that About 90 percent of the addressors in Hafez's poems are "singular second-person". The other noticeable point that has been found out in this study is that grammar teachers categorize the addressors of imperative verbs into three groups including "singular second-person", "plural second-person" and "plural first-person". However, based on the grammatical pattern in Hafez's poems we can figure out that all of the pronouns can be the addressor of imperative verbs.

Key Words : Hafez' Poems, Grammar ,Hafez, Affirmative imperative verb ,Negative imperative verb.

1 . Ph.D. student of Persian language and literature, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. (Corresponding author) // arj1353@gmail.com

2 . Professor of the Department of Persian Language and Literature, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. // kh.asadollahi@gmail.ir